



جنبش کارگری؛ انقیاد یا مصادره؟

پدیدآورنده (ها) : کریمی جونی، نادر

علوم سیاسی :: نشریه گزارش :: اردیبهشت ۱۳۸۲ - شماره ۱۴۶

صفحات : از ۱۸ تا ۱۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/483512>

تاریخ داندلود : ۱۴۰۲/۱۱/۰۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- جنبش کارگری در ایران: فرازها و فرودها
- اسنادی از اتحادیه های کارگری
- رشد و زوال جنبش کارگری در ایران
- تحولات خاورمیانه و تاثیر آن بر اجرای برنامه های انقلاب سفید و سرکوب خونین قیام ۱۵ خرداد
- صمد بهرنگی و سیلور استاین (پاسخی به عصیان های سرکوب شده انسانی)
- نقد ادبی: سوگواری زنان به عنوان اعتراض در شاهنامه
- اعتراض و بازسازی سیاسی در جهان اسلام
- گزارشی از مراسم گرامیداشت شب یلدا ۳۰ آذر ۸۵ هتل پردیسان
- مکتب اعتراض در طبله عطار
- خرده فرهنگ های اقلیتی و سبک زندگی روندها و چشم اندازها
- تأملی بر وضعیت شورشیان از منظر حقوق توسل به زور
- انفال یا ثروتهای عمومی/ انواع مالکیت در اسلام و موارد آنها

عناوین مشابه

- جنبش دانشجویی، نقادی یا انقیاد
- انقلاب یا جنبش
- جنبش های دانشجویی؛ نوزائی یا استمرار؟ (گفت و گو با دو تن از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت)
- انقلاب سیاه (۲): راه پیمائی سیاه پوستان یا یک جنبش قلابی: به ادعای مالکولم: رهبران سیاه پوستان از سرمایه داران سفید پوست آمریکائی پولهای هنگفت گرفتند و به سیاه پوستان خیانت کردند
- جنبش دانشجویی؛ از جامعه یا بر جامعه؟ نقدی بر مناسبات میان جنبش دانشجویی، فضای اجتماعی و ساختار قدرت سیاسی
- اسلام سیاسی یا سیاست اسلامی/ اسلام در حوزه عمومی: از جنبش اجتماعی تا دولت سازی
- تعامل یا تقابل سه گانه بررسی تعامل نهادهای قدرت در جنبش مشروطه
- بین الملل: مبانی فکری جنبش کارگری آلمان در قرن نوزده
- فتح الله گولن؛ روشنفکر یا کودتاچی؟؛ بررسی و نقد کتاب جنبش گولن: تحلیلی جامعه شناسانه از جنبشی مدنی
- جنبش های اجتماعی نوین؛ تهدید یا فرصت



نادر کریمی جونی

جنبش کارگری؛ انقیاد یا مصادره؟

گونگون از صحنه کنار زده شدند - و البته برخی از ایشان برای سهم گیری از قدرت، دست به اقداماتی مانند مبارزه مسلحانه زدند که خروج ایشان از صحنه را تسریع بخشید - اما بی تردید رهبران جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا به اهمیت تشکیلات و جنبش کارگری و نقش آن در تعاملات اجتماعی واقف شده بودند. چه این رهبران به خوبی از حوادث کشورهای نظیر شیلی و سقوط دولت مردمی سالوادور آلنده به دست کارگران خطوط حمل و نقل، درس عبرت آموخته بودند و می دانستند که در صورت بی توجهی به این بخش مهم اجتماع، پایه های حکومت جمهوری اسلامی ایران لرزان خواهد شد. این امر سبب شد تا شهید بهشتی به عنوان معمار اصلی دولت جمهوری اسلامی، با درک اهمیت تشکیلات کارگری و ضرورت در دست گرفتن رهبری جنبش کارگری ایران از همان ابتدا برای حضور عناصر انقلابی همسو با حزب جمهوری اسلامی در ساختار و تشکیلات کارگری ایران برنامه ریزی کند.

چنانکه بیرون کشیدن خانه کارگر - که بعداً به خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران تغییر نام یافت - از دست عناصر کمونیست و گروهک های چپ گرا در همین راستا ارزیابی می شود.

با رشد فعالیت های مسلحانه گروه هایی مانند سازمان فداییان خلق و... و کشف کودتای نافرجام حزب توده که منجر به غیرقانونی شدن فعالیت این حزب و اخراج برخی دبیرات های روسی از ایران شد، اگرچه گروهک های چپ گرا به طور کامل از رهبری جنبش کارگری در ایران کنار گذاشته شدند، اما بقایای تفکر

مرکزی کارگران و زحمت کشان ایران شهرت یافت، در واقع تضعیف شورای مرکزی حزب توده را هدف گرفت و در مقابل پلونوم های آن حزب ایستاد.

از آن هنگام تاکنون بیش از ۶۰ سال می گذرد و تشکیلات کارگری ایران که به ویژه در سال های اخیر و اواخر دوران حکومت پهلوی به گروه های کمونیستی و چپ گرایی داشته، همواره نقش قابل توجهی در تعاملات اجتماعی ایران ایفا کرده است. در عین حال همین که در شکل گیری نخستین تشکیلات کارگری ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی میان گروه های چپ (مانند سازمان فداییان خلق، حزب توده ایران، پیکار و...) با گروه های حامی انقلاب اسلامی و در رأس آن حزب جمهوری اسلامی زد و خوردهای شدید روی داد، نشان می دهد که تعاملات سیاسی و ملاحظات جناحی بر رفتار تشکیلات کارگری ایران سایه سنگینی داشته است و اگرچه پس از مدت کوتاهی گروه های مخالف، با عناوین

حتی سال ها پیش از آغاز فعالیت جنبش دانشجویی در ایران، فعالیت های صنفی کارگران ایرانی شکل گرفت؛ قریب به دو دهه پس از کشتار کارگران آمریکایی در ۱۸۸۶ میلادی در شیکاگو، مزدبگیران ایرانی در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی در تظاهراتی که از سوی فزاق ها به خاک و خون کشیده شد، یاد و خاطره آن کشتار را گرامی داشتند.

چند سال بعد و هنگامی که اردشیر آوانسیان، که از جمله مهم ترین بنیانگذاران حزب توده در ایران محسوب می شد، پس از رهایی از زندان رضاخان، برای دفاع از اعتصاب کارگران به اصفهان و بندرعباس رفت و مقاله مفصلی در حمایت از کارگران عمدتاً آذربایجانی کارخانه مس ایران در روزنامه ستاره چاپ کرد، نخستین جرقه های حرکت صنفی کارگری در کشورمان شکل گرفت. اما همانطور که آوانسیان خود در کتاب خاطراتش می نویسد، حتی تشکیل نخستین تشکیلات کارگری ایرانی که به شورای متحده



سوسیالیستی به شدت بر تفکر حاکم در بدنه کارگری کشور و لاجرم خانه کارگر تأثیر گذاشت به طوری که در تحولات بعدی این نهاد، تأثیر تفکرهای سوسیالیستی مشاهده می شود. اما شاید تنها اصل ثابت و تغییرناپذیر در رفتار خانه کارگر در طی عمر چندین ساله اش، دفاع از اصل حکومت جمهوری اسلامی و نزدیکی به مراجع اصلی قدرت و رهبران بلندپایه حاکمیت جمهوری اسلامی باشد که همین نزدیکی و شایعاتی که درباره روابط رهبران خانه کارگر با رهبران محافظه کار رایج شد، باعث گردیده است که برخی ناظران مسائیل کارگری این نهاد را بیشتر یک نهاد حکومتی تلقی نمایند تا یک نهاد صنفی غیردولتی و مبتنی بر دفاع از حقوق صنفی کارگران.

این امر سبب شد تا شهید بهشتی به عنوان معمار اصلی دولت جمهوری اسلامی، با درک اهمیت تشکیلات کارگری و ضرورت در دست گرفتن رهبری جنبش کارگری ایران از همان ابتدا برای حضور عناصر انقلابی همسو با حزب جمهوری اسلامی در ساختار و تشکیلات کارگری ایران برنامه ریزی کند

البته حساسیت مقامات جمهوری اسلامی بر روی مسائیل کارگری قابل درک است؛ رهبران کشورمان تجربه های عبرت انگیز دخالت بیگانگان در مسائیل کارگری و سقوط حکومت ها با استفاده از اعتراضات کارگری در کشورهای مختلف را دیده اند و از ناتوانی حکومت هادر مقابل جنبش کارگری به خوبی آگاهند. این امر سبب شکل گیری این تفکر نزد برخی مقامات امنیتی ایرانی شده که برای پیش گیری از وقوع حوادث خطرناک کارگری می باید نهادهای کارگری هرچه بیشتر به رأس حکومت نزدیک و به رعایت ملاحظات امنیتی - سیاسی نظام موظف شوند. دایره بعدی این استراتژی جلوگیری از پیدایش شاخه های کارگری در میان احزاب منتقد حاکمیت (مانند نهضت آزادی) است که مبارزه با گروه های معارض نظام در ضمن آن ملحوظ

می شود.

تحلیل گران مسائیل ایران در این باره می افزایند که جناح محافظه کار درون حاکمیت با تکیه بر همین اصل و پس از مشاهده ناکامی فعالیت های شاخه کارگری جوامع اسلامی، در جهت به انقیاد درآوردن و یا حداقل همراه ساختن خانه کارگر با خود، تلاش کرده و در مقابل با مانع تراشی در برابر پدید آمدن شاخه کارگری در برخی احزاب قدرتمند اصلاح طلب (مانند جبهه مشارکت)، فضای یک دست را به خانه کارگر هدیه داده است. این تحلیل گران با اشاره به گرایش های چپ گرایانه برخی شخصیت های جنبش کارگری و نیز فعالیت های پنهان و گروه های نظیر سازمان فدائیان خلق ایران، حزب کمونیست کارگری ایران و... تصریح می کنند که تصمیم گیران حکومت ایران، پیدایش شاخه های کارگری در احزاب اصلاح طلب و حتی منتقد رابر ظهور مجدد چهره های چپ کمونیستی در فضای جنبش کارگری ایران ترجیح می دهند و از این رو در صورت تجدید حیات گروه های کارگری چپ گرا، حساسیت های اعمال شده بر گروه های اصلاح طلب کاهش خواهد یافت.

البته بسیار طبیعی است که این ملاحظات در درون فضای جنبش کارگری نمودهای ملموس داشته باشد و بر رفتار بازیگران این جنبش تأثیر بگذارد. چنانکه خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران که اولین و در عین حال قدرتمندترین نهاد کارگری رسمی در ایران محسوب می شود، همواره با اتهامات گوناگونی روبه رو بوده که گاه شواهد و قرائنی برای صحت این اتهامات، مشاهده شده است. در این باره یکی از مهم ترین اتهامات مطرح علیه تشکیلات خانه کارگر تمامیت خواهی رهبران آن است و اگرچه تاکنون چهره های مخالف با ذکر نام به انتقاد از این نهاد نپرداخته اند، اما اشاره ها و تلمیحات ذکر شده در خصوص استیلائی یک جناح بر فعالیت های کارگری ایران، همواره نام خانه کارگر را به ذهن متبادر ساخته است. در این باره، آقای محمد نعیمی پور

سخنگری فراکسیون مشارکت در مجلس شورای اسلامی در مصاحبه ای که ویژه نامه کارگری روزنامه توقیف شده نوروز آن را در اردیبهشت ماه ۸۱ انتشار داد، از همین انحصارگرایی سخن گفت و لزوم رفع آن را یادآور شد. همین نماینده مجلس شورای اسلامی در فروردین ماه ۸۲ در جمع خبرنگاران پارلمانی نیز تصریح کرد که یکی از برنامه های سال جاری جبهه مشارکت راه اندازی شاخه کارگری حزب و معرفی مسئول این شاخه در جبهه مشارکت است.

در عین حال، حمله کارگران معترض به سازمان تأمین اجتماعی و وزارت کار و امور اجتماعی در تابستان ۸۱، از سوی برخی تحلیل گران به عنوان هشدار جدی خانه کارگر به جبهه مشارکت به منظور وادار ساختن این جبهه به خروج از فضای جنبش کارگری ایران محسوب شد و هرچند بارها علیرضا محبوب دبیرکل خانه کارگر آمادگی خود برای جبران خسارات وارده را اعلام و تصریح کرده است که حادثه یادشده تنها حاصل بی انضباطی برخی شرکت کنندگان و سهل انگاری انتظامات مراسم بوده است، اما سخنرانی های پرهیجان و گاه تحریک کننده رهبران خانه کارگر در پیش و پس از وقوع این حادثه و حتی خوشحالی ضمنی برخی چهره های نزدیک به این نهاد از حادثه مذکور، احتمال آگاهانه بودن این حمله را حداقل در میان لایه های میانی خانه کارگر فزونی می بخشد.

در عین حال انتقاداتی علیه خانه کارگر درباره مسائلی همچون استفاده ابزاری رهبران این نهاد از کارگران به منظور کسب قدرت بیشتر، بهره گیری این نهاد صنفی از رانت های حکومتی، پندبازی سیاسی چهره های خانه کارگر و... نیز مطرح است که مجموعه این ابهامات موجب شد تا طی مصاحبه ای صریح با آقای علیرضا محبوب، دبیرکل خانه کارگر، مجموعه این نقاط تاریک مورد بحث و بررسی قرار گیرد. دست اندرکاران این ماهنامه همچنین تلاش می کنند تا در مصاحبه ای اختصاصی، مشکلات کارگران را با بالاترین مرجع مسؤول در دولت جمهوری اسلامی ایران، آقای صفدر حسینی وزیر کار و امور اجتماعی کشورمان نیز در میان بگذارند که در صورت انجام، این مصاحبه طی شماره های آتی از نظر خوانندگان خواهد گذشت.